

# مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهیافت

سال شانزدهم، شماره ۵۹، تابستان ۱۴۰۱

صفحه ۱۴۹ تا ۱۶۸

## جایگاه تروریسم در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

حمید خدرویی / دانشجوی دکتری علوم سیاسی (مسائل ایران) واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.  
Khedrveysi hamid@gmail.com

شهرام فتاحی / استادیار گروه علوم سیاسی واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول).  
fattahi1352@gmail.com

ادریس بهشتی‌نیا / استادیار گروه علوم سیاسی واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.  
Edris\_beheshtinia@yahoo.com

سیامک پیراهمی / استادیار گروه علوم سیاسی واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.  
sbahrami59@gmail.com

### چکیده

تروریسم از ابزارهای مورد استفاده آمریکا در سیاست خارجی برای کنترل بازیگران، منابع و فرآیندها بوده است. موضوع این تحقیق نشان دادن الگوی رفتاری آمریکا در قبال دول غیرهمسو به بهانه مبارزه با تروریسم، نشان دادن هرگونه تلاش آمریکا برای جلوگیری از تثبیت موقعیت منطقه‌ای ج.ا. ایران است. در این رابطه سوال تحقیق این است که جایگاه تروریسم در سیاست خارجی آمریکا چه پیامدهایی بر امنیت ملی ج.ا. ایران دارد؟ فرضیه تحقیق این است که بعد از ۱۱ سپتامبر؛ راهبرد سیاست دفاعی و حمله پیشدستانه و پیشگیرانه آمریکا در قالب تقابل با تروریسم بین الملل با اتخاذ راهبردهایی چون خاورمیانه بزرگ، محور شرارت، عملاً به تشدید فشارها، افزایش روزافزون تحریم‌ها، تقابل‌های نیابتی، گسترش ایران هراسی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ج.ا. ایران با توجه به رویه سیاست خارجی مستقل و مواجهه گرایانه با آمریکا همواره به عنوان مانعی در راستای سیاست‌های توسعه طلبانه این قدرت‌ها و حامی و متحد منطقه‌ای آنها بوده لذا همواره ایران در راس تهدیدات امنیتی و منفعت طلبانه این قدرت‌ها قرار داشته است. این قدرت‌ها همواره در تلاش برای بحران آفرینی و تضعیف قدرت مرکزی ایران در داخل برای کاهش نقش آفرینی و نفوذ آن در مسائل منطقه‌ای بوده و این هدف به بهانه مبارزه با تروریسم همواره از خود نشان داده‌اند.

**کلیدواژه:** آمریکا، ایران هراسی، تروریسم، امنیت، تحریم.

تاریخ تأیید ۱۴۰۱/۰۶/۰۲

تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۲/۱۷

### مقدمه

آمریکا امروزه استراژی مبارزه با تروریسم را دنبال می‌کند که با توجه به شرایط جهانی و دگرگونی در ارزیابی منافع ملی جایگزین استراتژی سد نفوذ شده است (دهشیار، ۱۳۸۶: ۱۵۳). آمریکا پس از دوران جنگ سرد، به دلیل از بین رفتن تهدید اصلی یعنی کمونیسم، برای اینکه بتواند در عرصه جهانی به ایفای نقش پردازد، به دنبال دشمن جدیدی بود. حادثه ۱۱ سپتامبر به خوبی این فرصت و زمینه را برای آمریکاییان به وجود آورد. این مقاله با این رویکرد که ایالات متحده برای توجیه مداخله گرایی جهان‌شمول خود بعد از گذر از راهبرد انزوآگرایی همواره به پارامتر «دشمن» نیازی ناگزیر داشته است تا بتواند مداخله گرایی و گسترش نفوذ جهان‌شمول خود را توجیه کند، تدوین شده است.

در ساختار دو قطبی اتحاد شوروی و ایدئولوژی کمونیسم این قطعه مهم از پازل سیاست خارجی آمریکا بودند با فروپاشی شوروی و اضمحلال ساختار دو قطبی و موضوعیت یابی جهانی با یک ابرقدرت و البته بروز تمایلات هژمونیک ایالات متحده، این کشور به آلترناتیوی برای این قطعه فرو افتاده گراند استراتژی خود نیاز داشت و به نظر می‌رسد که دیری نپایید که تروریسم بین الملل را جایگزین اتحاد شوروی و بنیادگرایی اسلامی را جایگزین کمونیسم کرد و از حوادث ۱۱ سپتامبر تا کنون عناوین تغییر کرده اند اما کارویژه های آنها برای سیاست‌گذاری کاخ سفید تقریباً یکسان بوده است. دشمنی که محدود به سرحدات مشخصی نیست و اصولاً در هر نقطه ای گستره سیاست بین الملل می‌توان نشانی از آن یافت و در صورت لزوم بنا به استانداردهای مطمح نظر خود مبادرت به اقدامات سخت افزاری و یا نرم افزاری کرد و بسترهای ثبات هژمونیک را فراهم نموده و تداوم بخشید. با توجه به این که جمهوری اسلامی ایران به‌زعم کاخ سفید رکن رکین محور شرارت و به قول مایکل لدین مادر تروریسم قرن ۲۱ است و تجلی در هم آمیختگی سلاح کشتار جمعی، تروریسم و رژیم های خودسر است سوپر تروریست تلقی می‌شود و لذا به زعم ریچارد پرل و ویلیام کریستول باید و حتماً مشمول پروژه تغییر رژیم شود و در کتاب پایان دادن به شرارت تاکید می‌کنند که ایالات متحده باید به سان پلیسی وظیفه شناس که به گروگان‌گیری بی‌رحم، ترحم روا نمی‌دارد براندازی رژیم جمهوری اسلامی را در صدر دستور کار خود قرار دهد. امروزه شیوه‌های براندازی سخت به دلایلی مانند عدم کارائی در بلندمدت، ایجاد هزینه های بالای مستقیم سیاسی، اقتصادی و امنیتی، ایجاد و تشدید مقاومت فزاینده اجتماعی کشورهای هدف، تکیه بر اطاعت پذیری اجباری مردم

و عدم رسوخ در لایه های فرهنگ و رفتار اجتماعی، مطلوب و ممکن نیستند. از این رو در شرایط فعلی آمریکا تهدید سخت را در اولویت دوم خود قرار داده و با رویکرد تهدیدات نرم به عنوان بهترین مدل و شیوه موثر در رسیدن به اهداف خود، با ایجاد عملیات روانی، جنگ رسانه ای، ناتوی فرهنگی، انقلاب مخملی و پروژه ایران هراسی که از سالها پیش آغاز شده است به دنبال تغییر رژیم در ایران و تضعیف قدرت و نفوذ این کشور در منطقه هستند. بنابراین در این مقاله در پی پاسخ به این سؤال هستیم که رویکرد سیاست خارجی آمریکا در خصوص تروریسم چه تأثیری بر امنیت ملی ایران دارد؟

### چارچوب نظری

واقع گرایی (از جمله نئورئالیسم) بر الگوهای متقابل متقابل در یک سیستم بین المللی فاقد اقتدار سیاسی متمرکز تمرکز دارد. این شرایط آنارشی به این معنی است که منطق سیاست بین الملل غالباً با سیاست داخلی که توسط یک قدرت مستقل تنظیم می شود، متفاوت است. رئالیست ها به طور کلی نسبت به احتمال اصلاحات اساسی سیستماتیک بدبین هستند. رئالیسم یک سنت فکری گسترده است که شامل رشته های مختلفی است که متمایزترین آنها رئالیسم کلاسیک و نئورئالیسم است (bell, 2007: 1) این هانس جی مورگنتاؤ بود که آنچه "رئالیسم سیاسی" نامیده می شد را در یک بین المللی کاملاً شکل گرفته و جامع توسعه داد (Cristol, 2017: 6).

رئالیست ها استدلال می کنند که سیستم بین الملل آنارشیک است به این دلیل که هیچ دولت مرکزی برای هدایت رفتار دولت ها در سیستم جهانی وجود ندارد. از دید این تئوری درگیری ها اجتناب ناپذیر است زیرا کشورها مشتاق به حداکثر رساندن منافع خود و همچنین تقویت سیستم امنیتی خود هستند. برای دستیابی به دفاع از خود، دولت ها ارتش خود را ایجاد می کنند و از خود محافظت می کنند، بنابراین منجر به این می شود که سایر کشورها همین کار را انجام دهند و منجر به مسابقه تسلیحاتی شود که منجر به "معضل امنیتی" می شود، بنابراین مارپیچی از ناامنی، و در نتیجه باعث جنگ می شود (peter, 2015: 20).

هابز ادعا می کند که بدون یک دولت رئیس جمهور برای وضع کدهای رفتاری، هیچ اخلاقی یا عدالتی نمی تواند وجود داشته باشد: "جایی که هیچ قدرت مشترکی وجود ندارد، هیچ قانونی وجود ندارد: هیچ قانونی، هیچ بی عدالتی... اگر قدرتی برقرار نشود، یا به اندازه کافی عالی نباشد برای امنیت ما هر کس برای احتیاط در برابر سایر مردان، به

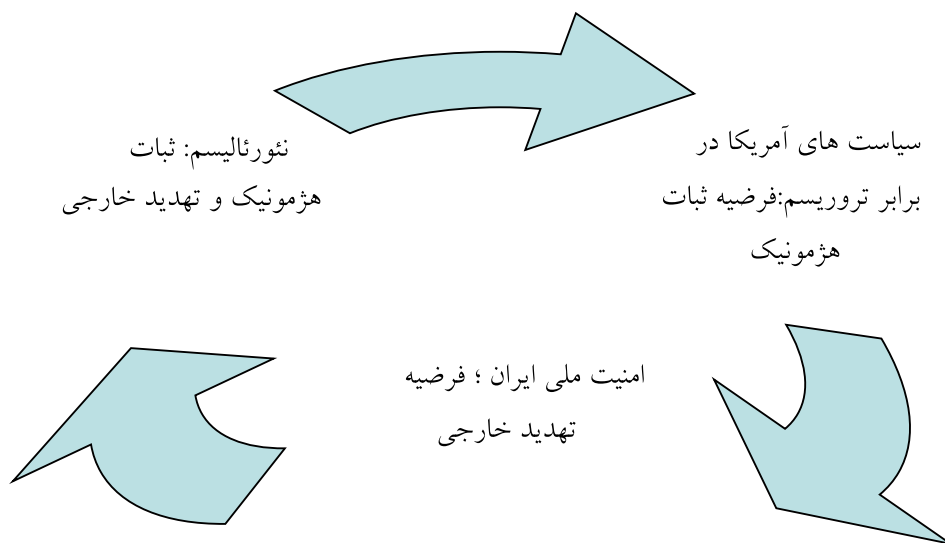
قدرت و هنر خود متکی است و ممکن است به طور قانونی اعتماد کند. بر این اساس ، بدون داشتن یک دادگاه عالی بین المللی ، دولت ها با ترس و خصومت و درگیری یکدیگر را می بینند (Moseley, 2015: 5).

بر اساس دو فرضیه می توان در نواقح گرای سیاست خارجی آمریکا را توضیح داد :  
 ۲-۴-۲-۱) فرضیه تهدید خارجی : از منظر نئورئالیسم موازنه قوا صرفاً واکنشی نسبت به قدرت برتر نیست بلکه آن قدرت باید تهدید کننده هم باشد، توازن به تهدید خارجی هم بستگی دارد. (Jakson and Sorensen, Op.Cit: 170) قدرت نامتوازن از سوی هر کسی ارائه شود خطری برای دیگران محسوب می شود . کشور نیرومند خود را حامی صلح، عدالت و رفاه در جهان معرفی می کند، هر چند این مفاهیم بدانگونه که نیروی برتر مایل است تعریف می شود و شاید در تناقض با سلیقه ها و منافع دیگران باشد. اگر این اتفاق بیفتد و کشورهای ضعیف احساس نگرانی از نیروی قدرت برتر کنند، این قدرت بلامانع طرد شده و در مقابل آن توازن صورت خواهد گرفت (ایکنبری، ۱۳۸۳: ۸۵). پس اگر موازنه به هم بخورد سایر قدرت ها به دو صورت ممکن است موازنه را برقرار کنند ؛ یکی به صورت یک جانبه یعنی افزایش توانایی های خود و دیگری به صورت اتحاد با کشورهای دیگر. تأکید بر خودیاری مانع آن نمی شود که کشورها به اتحاد با یکدیگر دست نزنند ، اما اتحادها فقط ازدواج های مصلحتی کوتاه مدت هستند و در مقابل تهدید خارجی و به منظور تأمین امنیت شکل می گیرد ، متحد امروز ممکن است دشمن فردا باشد و دشمن امروز ممکن است فردا عضوی از یک اتحاد باشد.

۲-۴-۲-۲) فرضیه ثبات هژمونیک: ثبات هژمونیک یک وضعیتی است که در اثر چگونگی توزیع قدرت بوجود می آید. بدین معنی که اگر قدرت در سطح بین المللی به گونه ای توزیع شود که یک کشور در رده بالاتر بوده و قدرتی برتر یابد یک نوع نظم هژمونیک حاصل شده است. هژمون به دو طریق هژمونی خود را تثبیت و برقرار می کند ؛ یکی ترغیب و تشویق و دیگری تهدید و ارعاب. هژمون یا کشورهای دیگر را تهدید می کند که این نظم را بپذیرند یا آنها را تطمیع می کند، در چنین شرایطی ممکن است همکاری شکل گیرد. در ثبات هژمونیک نظم سلسله مراتبی شکل می گیرد چرا که هژمون بی نظمی را حل می کند و در این حالت هژمون همانند یک شبه حکومت، آرایش و ترتیبی را برقرار می کند. نئورئالیسم ها توضیح می دهند که همکاری در مواقعی اتفاق می

افتد که هژمون یک سری از قواعد<sup>۱</sup> را ترویج می دهد و ترس های مربوط به دستاوردهای نسبی و فریبکاری کاهش می دهد. در این حالت دولت ها در مقابل تهدید خارجی در مقابل یکدیگر متحد می شوند. در واقع اگر چه دولت ها ممکن است ترجیح دهند تا استقلال خود را حفظ کنند ولی در مواقعی که دولت ها بطور جمعی مواجه با یک تهدید خارجی هستند و به تنهایی نمی توانند امنیت خودشان را تضمین کنند آنها ممکن است برای بقای خویش همکاری کنند. در این حالت دولت ها ممکن است تهدیدات همکاری را کمتر از انقراض و نابودی کامل بپندارند. (پیس، ۱۳۸۴: ۱۰۱)

مدل مفهومی این تحقیق در راستای تئوری نئورئالیسم شکل میگرد که ثبات هژمونیک و تهدید خارجی است در این راستا سیاست های آمریکا در برابر تروریسم نشان دهنده فرضیه ثبات هژمونیک در تئوری نئورئالیسم است. و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران نیز ناشی از فرضیه ی تهدید خارجی و احساس ناامنی نسبت به تهدید از جانب سایر کشورها می باشد. بنابراین شکل زیر نشان دهنده این مدل است:



<sup>۱</sup> . rules

واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ روند تحکیم موقعیت آمریکا در سطح نظام را بیش از پیش تقویت کرد. شدت و اهمیت این حملات تروریستی به شهرهای نیویورک و واشنگتن به گونه‌ای بود که قدرت آمریکا در ساختار پس از جنگ سرد را به شدت تحت تاثیر قرار داد و باعث نگرانی تنها ابرقدرت نسبت به آینده نظام گردید.

### تداوم و تغییر در سیاست خارجی آمریکا

ایالات متحده آمریکا در طول تاریخ خود استراتژی‌های متفاوت را با توجه به جایگاه جهانی خود اختیار کرده است. این تغییر استراتژی کاملاً طبیعی بوده است. از انزوگرایی تا بین‌الملل‌گرایی؛ اما آنچه همیشه ثابت بوده، ماهیت استراتژی‌ها که جملگی هدفشان در راستای ایجاد توانمندی اقتصادی، امنیت فیزیکی و اشاعه ارزشی بوده است. آمریکا امروزه استراتژی مبارزه با تروریسم را دنبال می‌کند که با توجه به شرایط جهانی و دگرگونی در ارزیابی منافع ملی جایگزین استراتژی سد نفوذ شده است. تغییر فضای بین‌المللی به دنبال اضمحلال جغرافیای سیاسی و فرهنگی کمونیسیم، زمینه ساز ضرورت بازنگری در سیاست آمریکا در منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود. تحولی که به معنای یکپارچگی سیاسی و اقتصادی اروپا در شکل وسیع آن و الحاق تمام و کمال این جغرافیا در سیستم اقتصاد جهانی و سیستم ارزشی لیبرالیسم است. از میان رفتن دغدغه‌های آمریکا در این منطقه، که بن‌مایه سیاست خارجی آن بعد از پایان جنگ جهانی دوم بود، به عنوان آغاز تحول در نگرش این کشور به خاورمیانه، در نظر گرفته می‌شود. (سلیمانی پورلک، ۱۳۸۹: ۸۴-۸۵) اما با این وجود و علیرغم ترسیم "استراتژی کلان امنیت مطلق" (دهشیار، ۱۳۸۶: ۵۶-۵۷) تحول در رویکرد خاورمیانه‌ای کاخ سفید، تا یک دهه بعد به تأخیر افتاد.

تغییر و تحولات سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه مبتنی بر ائتلاف سازی و مدیریت هزینه‌ها در منطقه، پیگیری منافع از طریق متحدین، همچنین به دلیل نگاه به شرق و هزینه‌هایی که در خاورمیانه متحمل شده است از دوران اوباما و ترامپ و بایدن شاهد تغییراتی شامل کاهش دخالت نظامی، حمایت از آشتی ملی و مذاکرات صلح، نبرد با القاعده در افغانستان و کاهش دخالت همه جانبه در خاورمیانه بوده ایم.

### جایگاه تروریسم در سیاست خارجی آمریکا

مبارزه با تروریسم به صورت گسترده پس از حادثه ۱۱ سپتامبر حالت جهانی به خود گرفت. غرب «القاعده و طالبان» را به عنوان مصادیق بارز تروریسم قلمداد کرد. هرچند ناتو مبارزه با تروریسم را در پی کنفرانس واشنگتن در اولویت برنامه‌های خود قرار داد، ولی

واقعه یازده سپتامبر نقطه عطفی در جنگ ناتو علیه تروریسم تلقی شده و طالبان سبیل مبارزه با تروریسم عنوان شد. (جعفری، ۱۳۹۰: ۴۲ تا ۴۳). نقطه شروع «مبارزه با تروریسم» را باید جنگ افغانستان نامید.

گرچه، حملات ۱۷ اکتبر سال ۲۰۰۱ در زمان دولت جورج دبلیو بوش در راستای مبارزه با تروریسم طرح ریزی شد، اما در ژوئن سال ۲۰۰۲ پایان یافته و دولت جورج دبلیو بوش کشور عراق را جغرافیای خطر دانست (Campbell, ۲۰۰۹). اما با روی کار آمدن دولت باراک اوباما، تیم اجرایی حاکم بر آمریکا بر این باور بود که کشور افغانستان نقش کلیدی را جهت مبارزه با تروریسم بازی می کند و لذا بر این اعتقاد بود مرکز ثقل سیاست آمریکا باید کشور افغانستان باشد. و لذا بر تداوم حمله به افغانستان با اعزام نیروهای بیشتر در راستای مبارزه با تروریسم اقدام نمود (دهشیر، ۱۳۹۰: ۱۶۹).

قدرت های بزرگ برای تأمین اهداف خود از مجموعه ای از ابزارهای قدرت استفاده می کنند تا بتوانند کنترل بازیگران، منابع و فرآیندها را در اختیار داشته باشد (امینیان و کریمی قهرودی، ۱۳۹۱: ۷۰). یکی از ابزارهایی که به وفور مورد سوء استفاده قدرت های بزرگ واقع شده تروریسم است. در حقیقت قدرت هژمون مفهوم تروریسم را به عنوان یک برچسب سیاسی و به منظور بی اعتبار کردن مخالفان و بخصوص چالش های که در راه استمرار تسلط و هژمونی خود به وجود آورده اند به کار می برند. تروریسم که امروزه توسط دولت های هژمون هم مورد حمایت واقع می شود برای اهدافی صورت می پذیرد که تروریست ها در اذهان خود می پروراند که از آن جمله می توان به بی ثبات کردن حکومت، ایجاد دگرگونی در ساختار سیاست داخلی و خارجی کشور مورد نظر نام برد (ثریا، ۱۳۸۸: ۳۴).

استراتژی ملی آمریکا برای مبارزه با تروریسم با این فرض نئورئالیستی مطابقت دارد که ساختار نظام بین الملل آنارشیک است و بر چهار اصل مبتنی است:

- شکست سازمان های تروریستی با برد جهانی از طریق حمله به پناهگاه ها، رهبری، فرماندهی، کنترل و ارتباطات، حمایت مادی و سرمایه های آن ها.
- کاهش زمینه ها و وضعیت هایی که تروریست ها به دنبال بهره برداری از آن ها هستند.
- دفاع از آمریکا، شهروندان و منافع آن در داخل و خارج.
- استفاده از تمام ابزارهای از قبیل دیپلماتیک، حقوقی، اطلاعاتی، مالی و نظامی (US. Department of state, 2004).

نوع مواجهه دوگانه آمریکایی با مساله تروریسم این معنا را در اذهان القا می‌کرد که گویا مقامات این کشور به تروریسم خوب و تروریسم بد معتقدند. نمونه آن، مواضع آمریکا در برابر گروه القاعده در کشورهای عراق و سوریه است. اظهارنظرهای بسیاری القاعده را در عراق تروریست بد و موجب ناامنی تلقی می‌کرد و در مقابل، همین گروه و اهدافش را در سوریه آزادیخواه به شمار می‌آورد. این در حالی است که اگر قاب‌بندی رسانه‌های آمریکایی از این ماجراها را کنار بگذاریم، ماهیت رفتار ضد انسانی این گروه در این کشورها تفاوت چندانی ندارد و این تنها منافع آمریکاست که دو نوع تروریست را به جهان معرفی می‌کند. (نعمتی، ۱۳۹۴: ۵).

### رویکرد آمریکا به ایران در راستای تروریسم

سیاست‌های آمریکا در جهت تلاش برای تروریستی خواندن ایران در راستای تئوری نئورئالیسم به دلیل مقابله با نقش منطقه ای ایران و مقابله با انقلاب اسلامی ایران و سرایت آن به دیگر کشورها از همان ابتدای انقلاب اسلامی وجهه بارز رویکرد آن در قبال ایران بوده است و در این راستا از جمله اقدامات آمریکا مصادره اموال و دارایی‌های ایران به بهانه تروریستی خواندن ایران بود. ایالات متحده آمریکا برای مشخص کردن نهادها و افراد مرتبط با تروریسم، دو فهرست دارد؛

۱ - لیست گروه‌های ویژه تروریستی که توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا تهیه می‌شود، افراد و گروه‌ها به دلیل کمک‌های مالی، تجهیزاتی یا آموزشی به تروریست‌ها، در این فهرست قرار گرفته و تحریم می‌گردند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، عاملین، نهادها و مرتبطان با آن را با ادعای حمایت از تروریسم، در این فهرست تحریم‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا قرار گرفتند.

۲ - لیست سازمان‌های تروریستی خارجی که توسط وزارت امور خارجه آمریکا و طبق قانون مهاجرت و ملیت آمریکا ایجاد می‌شود و، افراد و گروه‌ها را به دلیل اقدامات تروریستی‌شان در این فهرست قرار می‌گیرند. عبارت از القاعده، داعش، جند الله، حزب الله، جهاد اسلامی فلسطین، جیش‌المحمد و... می‌باشند که در سال‌های گذشته همواره هدف نیروهای ارتش آمریکا بوده‌اند. که اکنون ایالات متحده آمریکا یک گام از تحریم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جلوتر آمده و کلیت سپاه پاسداران را به همراه تمامی زیرمجموعه‌های آن، در فهرست دوم خود یعنی سازمان‌های تروریستی خارجی خود قرار داده و تروریست نامیده است (منتظران، ۱۳۹۸: ۷).

یکی از این روش‌های آمریکا که در دو دهه گذشته توسط آمریکا و به منظور تغییر حکومت انقلابی و یا تغییر رفتار آن در پیش گرفته شد سیاست مصادره اموال و دارایی‌های آن بوده است. تعرض به اموال و دارایی‌های خارجی دولت‌ها بلاخص ج.ا.ایران، در ایالات متحده آمریکا به بهانه جبران خسارت وارده به قربانیان عملیات تروریستی و خشونت آمیز در خارج از این کشور از معضلات سیاست خارجی برخی کشورهاست که در نظام بین الملل در جرگه کشورهای دوست آمریکا قرار ندارند و یا در مظان اتهام حملات تروریستی به شهروندان این کشور قرار دارند (Brohmer، ۲۰۰۹: ۵۱).

### پیامدهای رویکرد آمریکا به تروریسم بر امنیت ملی ج.ا.ایران

با به قدرت رسیدن باراک اوباما چرخشی در سیاست خارجی آمریکا ایجاد شد در حالی که سیاست خارجی بوش بر یکجانبه گرایی و تاکید بر حصول امنیت و منفعت به شیوه سخت افزاری ابتناء یافته بود اوباما سیاست خارجی خود را بر اساس، چندجانبه گرایی، قدرت نرم، دیپلماسی عمومی، دموکراسی و قواعد بین المللی ساماندهی نمود. باراک اوباما بر این اعتقاد است که امنیت را از طریق مشارکت، همکاری و چند جانبه گرایی پیگیری نماید هنگامی که فضای سیاسی و امنیتی مبتنی بر همکاری و مشارکت قرار گیرد، در آن صورت هزینه های کمتری برای عبور از بحران های منطقه ای به وجود می آید. (کریمی، ۱۳۹۴: ۲).

در گذشته بحث مبارزه با تروریسم بود اما امروز آنها بیشتر از لحن و تعبیر ایجاد امنیت و صلح در منطقه استفاده می کنند. یکی از اهدافی که آمریکایی ها همیشه دنبال کرده و می کنند کاستن از نفوذ ایران و جلوگیری از رو به فزونی نهادن آن است. به عبارت دیگر مهار ایران همواره به عنوان یکی از اهداف آمریکا مطرح بوده است. تغییر سیاست آمریکا از یکجانبه گرایی به همگرایی، راهی برای بازسازی چهره آمریکاست که اوباما اجرای این سیاست را برعهده گرفته است. او می کوشد چهره نظامی گری آمریکا را تعدیل کرده و از ادبیات خشن استفاده نکند اما اهداف او، همان اهداف بوش است. (حاتم زاده، ۱۳۹۰: ۶).

اوباما تلاش زیادی انجام داد تا ضمن تشدید ایران هراسی در منطقه، حساب ایران را از اسلام جدا نماید. اوباما حتی در این رابطه، تلاش می کند تا مردم ایران را متفاوت از حکومت ایران جلوه دهد و حساب آن ها را از هم جدا کند. سفر اوباما به مصر و سخنرانی در دانشگاه قاهره، سفر به ترکیه و بازدید از اماکن و مساجد اسلامی، هشدار و انتقاد صوری از رژیم اسرائیل پیرامون عملکرد ضد حقوق بشر در جنگ غزه و ... از یک سو و

برجسته سازی ماهرانه تهدید هسته‌ای ایران، دامن زدن به نقش ایران در تحولات داخلی کشورهای خاورمیانه، بزرگ نمایی تهدید ایران برای همسایگان عرب، بستر سازی و ایجاد تفرقه میان مردم و مسئولین نظام و انعکاس گسترده آن به ویژه پس از تحولات انتخابات در ایران، اقدامات اوباما در این زمینه هستند. (حاتم زاده، ۱۳۹۰).

با ورود دونالد ترامپ به کاخ سفید، رئیس جمهور جدید آمریکا که یکی از اهداف عمده سیاست خارجی خود را خروج از برجام و پایان دادن به زعم خود مداخلات جمهوری اسلامی ایران در امور کشورهای خاورمیانه قرار داده بود، ضمن سفر به عربستان سعودی و دیدار با سران و مقامات ارشد نزدیک به ۵۰ کشور عرب و مسلمان در ریاض، در ماه مه سال ۲۰۱۷، کوشید ائتلافی از این کشورها علیه ایران ایجاد نماید. اگرچه تشکیل این ائتلاف به سرانجام مطلوب آمریکا منتهی نشد، ولی ترامپ موفق به عقد قراردادهای تسلیحاتی چند صد میلیارد دلاری با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس گردید. بطور کلی ترامپ در خاورمیانه سیاست مشخصی دنبال نمی کند و در مورد جای جای این منطقه سیاست های متضادی را دنبال کرده است. هراندازه در مورد یمن سیاست خصمانه و نظامی دولت گذشته را دنبال می کند در مورد نقض حقوق بشر در عربستان بی تفاوت است و از تحریم های ایران به بهانه حقوق بشر حمایت می کند. (ازغندی و جهانگیری، ۱۳۹۷: ۱۲).

### رویکرد آمریکا در همراهی با اسرائیل بر امنیت ایران با غرب آسیا

استراتژی اصلی و محوری آمریکا در برخورد با تهدیدات و چالش های تروریسم با این فرض نئورئالیستی مطابقت دارد که در واقع چالشی برای هژمونی آمریکا به حساب می آیند- استراتژی احاله مسئولیت می باشد و آمریکا برای تسهیل کردن شرایط برای اتخاذ این استراتژی در چارچوب سیاست خارجی جهانی خود، تلاش کرده است با سیاست منطقه ای کردن خطر تروریسم به پی گیری این استراتژی بپردازد.

دولت رژیم صهیونیستی به رهبری بنیامین نتانیاهو اولویت های خود را بر روی سه عامل اصلی تعیین می کند: مخالفت با ظهور یک کشور فلسطین، تقویت قدرت نظامی اسرائیل، و به چالش کشیدن اهرم ایران در خاورمیانه. (Dentice, 2019). ترکیه اولین کشور با اکثریت مسلمان بود که به طور رسمی کشور اسرائیل را به رسمیت شناخت، تنها یک سال پس از اعلامیه دولت یهود (۲۸ مارس ۱۹۴۹). اسرائیل تأمین کننده مهم اسلحه به ترکیه بود. همکاری های نظامی، استراتژیک و دیپلماتیک بین ترکیه و اسرائیل توسط

دولت های هر دو کشور در اولویت قرار گرفته است که نگرانی های مربوط به بی ثباتی های منطقه ای در خاورمیانه را به اشتراک می گذارد (Zvi Bar'el, 2009).

تضاد بنیادین آمریکا با ایران، موضوع اسرائیل است و حتی از لحاظ متدلوژیک در وزن گذاری متغیرهای دخیل در تقابل ایران و آمریکا، موضوع اسرائیل و امنیت اسرائیل به صورت کمی نزدیک به ۸۰ درصد مشکل را تشکیل می دهد (سریع القلم، ۱۳۸۱: ۱۴-۱۵).

بر اساس توافق برجام، تحریم تسلیحات سبک و متعارف ایران در سال ۲۰۲۰ و تحریم تسلیحات سنگین و موشکی در سال ۲۰۲۳ و در سال ۲۰۲۵ هم قطعنامه های پیشین سازمان ملل علیه ایران که عمدتاً قطعنامه های فصل هفتمی بودند دیگر قابلیت بازگشت خود را از دست می دهند. بنابر این نتایج با برجسته سازی تهدید موشکی ایران سعی می کند که این تحریم ها تمدید شود. (محمد مراد، ۱۳۹۸: ۳-۴).

نتایج در دیدار با جان بولتون، مشاور امنیت ملی ایالات متحده در اواسط ماه اوت ۲۰۱۸، ترامپ را به خاطر کنار گذاشتن توافق هسته ای "وحشتناک" تقدیر کرد. در همان جلسه، نتایج ادعای مورد علاقه و بی اساس خود را تکرار کرد که توافق هسته ای "مسیر ایران را به سمت بمب مسدود نکرده است"، اما در واقع "مسیر ایران را به یک زرادخانه هسته ای هموار کرده است". (Meir, 2018: 14) اسرائیل ایران را به دلیل برنامه های هسته ای و موشکی، حمایت از گروه های خشن ضد اسرائیل در منطقه و فراخوان های مکرر برای نابودی کشور یهودی، یک تهدید وجودی می داند. (DEITCH, 2018: 6).

در فضای به چالش کشیده شدن برجام و نقض آن توسط ایالات متحده آمریکا، بازیگرانی همچون عربستان سعودی، امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی از این تصمیم دولت ترامپ به شدت استقبال کردند (O'Connor, 2018). بازدید گسترده مقامات ارشد اسرائیل به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نشان از عجله کشورهای خلیج فارس برای "دوستی" با اسرائیل دارد.

رقابت خارجی ایران و عربستان در بستر دو مکتب مذهبی متفاوت به لحاظ متنی (شیعه و اهل سنت) وقوع یافته است. دو کشور به شکل بنیادی در موضوع مذهبی اختلاف نظر دارند. عربستان خود را داعیه دار جهان اسلام می پندارد و حمایت از شبه نظامیان اهل سنت از جمله داعش یا القاعده در بحران های خاورمیانه و شمال آفریقا از جمله اقدامات این کشور در این زمینه است. (Commins, 2014: xvi).

### افزایش روزافزون تحریم ها

تحریم‌ها یک راهی میان اقدام دیپلماتیک تقریباً آرام، از یک سو و مداخله شبه نظامی قهری یا مداخله پنهانی نظامی از سوی دیگر است (Mobini Keshe & Ajili, 2013, 101). از دیدگاه فنی، کلمه‌ی تحریم هم اقدامات نظامی و هم اقدامات غیرنظامی را شامل می‌شود و عمدتاً از این واژه برای اقدامات غیرنظامی استفاده می‌شود (Emadi, 2012: 131). اساساً تحریم‌های بین‌المللی دو شکل کلی دارد:

۱- تحریم‌های یک‌جانبه کشورها علیه یکدیگر؛

۲- تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه اعضا؛ (۲۰۶: ۲۰۱۱، Valizadeh) تحریم سلاحی اقتصادی در میدان مبارزه‌ای غیرنظامی است که دیپلماسی را از گت و گو فراتر میبرد و وارد حوزه عمل میکند (۲۰۰۷، ۴، Eyler). بعضی ایالت‌ها، به ویژه ایالات متحده، استفاده از تحریم‌های یک‌جانبه را به عنوان یک ابزار مکرر در سیاست خارجی استفاده می‌کنند. دیگران تحریم‌ها را تنها زمانی مجاز می‌دانند که سازمان‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا، اتحادیه آفریقا (AU)، سازمان کشورهای آمریکایی (OAS) یا سازمان‌های منطقه‌ای مانند انجمن اقتصادی کشورهای غربی (ECOWAS) و شورای امنیت سازمان ملل متحد (سازمان ملل متحد)، مجوز آن را صادر کند (Biersteker, 2015: 2-3).

تحریم‌های بین‌المللی مستلزم صدور قطعنامه سازمان ملل است، اما تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه مستلزم قطعنامه شورای امنیت نیست و توافق کشورها زمینه تحریم را فراهم می‌کند (۱۶-۱۵، ۲۰۱۲، Ashrafi). پس از پایان جنگ سرد نیز شورای امنیت تا حدود زیادی سازوکارهای تحریم را فعال کرده و از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۱، ۱۷ کشور را مورد تحریم قرار داده است (۱۰: ۲۰۱۱، Rickard-Martin & Carisch).

تحریم‌های آمریکا ایران را مجبور به پرداخت هزینه‌های بیشتر برای کالاهای وارداتی نموده است. یکی از آثار تحریم‌های اقتصادی آمریکا بر ایران کاهش ارزش ریال بوده است که به نوبه خود باعث کاهش واردات و تحدید دسترسی ایران به سرمایه و تکنولوژی خارجی شده است. به عبارت دیگر تحریم‌های آمریکا جو سرمایه‌گذاری در ایران را تغییر داد و انتقال تکنولوژی به ایران صورت نگرفت. تحریم‌های آمریکا همچنین ایران را مجبور کرد قسمتی از طرح‌های توسعه ساختاری اقتصادی را پس از جنگ متوقف کند. با این وجود، این تحریم‌ها مانع از فعالیت شرکت‌های نفتی در ایران نگردیدند. علت آن، روابط خوب ایران با شرکت‌های استخراج و بازاریابی نفت جهانی بوده است. محققان

تازمانی که تقاضا برای نفت خام ایران در بازارهای جهانی به اندازه کافی موجود باشد دشواری چندانی برای ایران ایجاد نخواهد شد. (توحیدی فرد، ۱۳۸۱: ۲۸۴).

همانگونه که هانلون و اومند<sup>۱</sup> استدلال می‌کنند اقتصاد ایران تحت تحریم‌های آمریکا در برخی موارد حتی سالم‌تر و باثبات‌تر از بسیاری از کشورهای در حال توسعه‌ای است که آمریکا به آنها کمک کرده است. (آموزگار، ۱۹۹۷: ۳۴)

از منظر حقوق بین‌الملل، اعمال تحریم‌ها به وسیله ارگان‌هایی از جامعه جهانی نمایندگی می‌گردند که در پاسخ به رفتارهای غیرقانونی و غیرقابل قبول یکی از کشورها اعمال شود. هدف از ملاک‌های رفتاری جامعه جهانی، رفتارهای مورد قبول جامعه جهانی است که حقوق بین‌الملل آنها را مقرر داشته است. (بیگ زاده، ۱۳۷۹: ۸۳) برای نمونه کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص تحریم‌های مشروع اعلام داشته است که، تحریم‌ها اقدامات واکنش‌گرایانه هستند که بطور کلی به وسیله‌ی یک سازمان بین‌المللی و مشخصاً پیرو نقض یک تعهد بین‌المللی که متضمن نتایج نامطلوب جدی برای جامعه‌ی بین‌المللی می‌باشد، صورت می‌گیرد. (سالنامه کمیسیون حقوق بین‌الملل، ۱۹۷۹: ۱۲۱) در روزگاران حاضر پیگیری پروژه هسته‌ای و عدم اعمال برخی از هنجارهای مورد نظر غرب از سوی جمهوری اسلامی ایران، سبب ساز اعمال تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران شده است.

یک بررسی از تحریم‌های انجام گرفته آمریکا و متحدانش علیه جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که تحریم‌های اقتصادی آمریکا سبب بروز تنگنایی در خرید و واردات کالا از خارج برای جمهوری اسلامی ایران گردیده است که آشفتنگی سیستم توزیع، احتکار و گرانفروشی، پیدایش بازار سیاه برای بسیاری از کالاها و تشکیل کمیته صنفی و دادگاه انقلابی ویژه محرکی برای آن تنگناها بوده است. (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۱: ۵۳۳) مزید بر آن، تحریم‌های آمریکا ایران را مجبور به پرداخت هزینه‌های بیشتر برای کالاهای وارداتی می‌نمود.

دومین وجه از آثار مربوط به تحریم، ناشی از تردیدی است که می‌توان نسبت به آثار این تحریم، نشان داد. چرا که اعمال این تحریم‌ها نه تنها باعث تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران به نحوی که مورد انتظار آمریکا و متحدانش بوده، نشده است بلکه در برخی موارد سالم‌تر و باثبات‌تر از بسیاری از کشورهای در حال توسعه‌ای بوده است که آمریکا به

<sup>۱</sup> - HANLON AND OMEND

آنها کمک می کند. علت را باید در اتخاذ رهیافت واگرایانه همکاری های گروهی نظام جامعه جهانی دانست. اساساً بدون همکاری کامل همه شرکای تجاری بالقوه، ایراد صدمه بر صادرات یا واردات یک کشور از طریق تحریم به سختی قابل تحقق می باشد. (کامپفر و لونبرگ، ۱۹۹۲: ۳)

تحریم های اقتصادی گرچه معمولاً خساراتی را بر کشور تحریم شده تحمیل می کنند، اغلب برای کشورهای تحریم کننده نیز دارای هزینه های سنگین می باشند. برای مثال تحریم های آمریکا در درجه اول شرکت های نفتی این کشور را تحت تاثیر قرار داده است. (hass, 1998: 75).

تحریم های اعمال شده بر ایران عمدتاً شامل بخش های اقتصادی، نظامی و تکنولوژی هسته ای می باشد که در مواردی از نوع غیرهدفمند و سنتی بوده و در مواردی نیز به صورت هدفمند می باشند. این تحریم ها رشد اقتصادی و صنعتی ایران را کاهش داده، سرمایه گذاری های خارجی را محدود کرده، ریال را تضعیف کرده، نرخ تورم را چند برابر کرده و تولید و صادرات نفت و گاز را کاهش داده است. شروع اعمال تحریم ها از سال ۲۰۰۶ بوده که در گذر زمان با روندی تشدید شونده همراه بوده است (مختاری هشی، ۱۳۹۴: ۱۵۸). زیرا تحریم های بین المللی دربرگیرنده ی تأیید از سوی سازمان ملل بوده و تحریم های این سازمان را شامل می شود.

تحریم های اقتصادی بین المللی در مورد ایران از زمان تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۹ ژوئن توسعه یافته است و چهار دایره متمرکز را شامل می شود: دایره مرکزی: قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد که مقر اصلی تحریم ها را اعمال می کند و اساس و منبع مشروعیت بین المللی برای کل ساختار تحریم های بین المللی بوده است.

دایره دوم: تحریم های یکجانبه ایالات متحده و اتحادیه اروپا که به مراتب فراتر از تحریم های سازمان ملل است، بر تمامی زمینه های اصلی اقتصاد ایران تأثیر می گذارد. علاوه بر این، تحریم های ایالات متحده و اتحادیه اروپا بر محدود کردن تجارت بین المللی، سرمایه گذاری و مالی تمرکز می کنند. معاملات با ایران به گونه ای است که بانک های بین المللی، بیمه گران و سایر شرکت ها را مجبور می کند تا "تجارت" را با ایران به عنوان خطرناک برای کسب و کارهای بسیار مهم خود در بازارهای ایالات متحده و اتحادیه اروپا به خطر بیندازند.

سومین دایره: استفاده از تحریم‌های سازمان ملل متحد و رعایت تحریم‌های ایالات متحده و اتحادیه اروپا توسط بسیاری از کشورهای دیگر، از جمله مهم‌ترین شرکای تجاری ایران: امارات متحده عربی، ژاپن، کره جنوبی و دیگران است.

دایره چهارم: بخش کسب و کار - بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و سایر شرکت‌هایی که با ایران تجارت می‌کنند، با بانک‌های ایران مقابله می‌کنند. گستردگی و پیچیدگی تحریم‌های ایالات متحده و اتحادیه اروپا از یک طرف و تعداد زیادی از سوی دیگر، وضعیتی را ایجاد کرده است که هرگونه معامله با دولت یا شرکتی را در ایران بیش از حد خطرناک برای شرکت‌های بین‌المللی جلوه می‌دهد. (Gal & Minzili, 2011: 10).

تحریم‌ها موجب افزایش هزینه‌های زندگی به میزان ۲۰ درصد شده و سالانه ۱۰ میلیارد دلار هزینه به کشور تحمیل می‌کند، قابل توجه است (Ale-Eshagh, ۲۰۱۲).

تحریم‌ها تا کنون توسط کشورهای مختلف با اولویت‌های مختلف با استفاده از ابزارهای مختلف بر علیه ایران انجام شده، که نقش کلیدی در متقاعد کردن ایران به پذیرش محدودیت‌های اولیه در برنامه هسته‌ای خود و مذاکره در مورد آینده آن ایفا کرده است. با این حال، ماهیت پیچیده تحریم‌های بین‌المللی، ایران را منزوی کرده و به اقتصاد آن شدیداً آسیب وارد کرده است. (samore, 2015: 1). ایالات متحده، سازمان ملل متحد (UN) و اتحادیه اروپا (اتحادیه اروپا) تحریم‌های شدید علیه ایران به علت بی‌اعتمادی زیاد به برنامه هسته‌ای این کشور، اعمال کرده‌اند. این تحریم‌ها همراه با سوء مدیریت اقتصاد دولت ایران، به طور جدی بر اقتصاد ایران تأثیر گذاشت. همچنین تجزیه و تحلیل تغییرات شاخص‌های کلان اقتصادی ایران پس از سال‌های تحریم نشان می‌دهد تحریم‌ها بر تولید ناخالص داخلی ایران، نرخ بیکاری، نرخ تورم، صادرات و واردات مستقیم سرمایه‌گذاری، صنعت و بازار نفت، بانکداری و سیستم مالی تأثیراتی منفی گذاشته است. (aghazade, 2014: 1).

### گسترش ایران هراسی

آمریکا و هم‌پیمانانش در حالی که با رکود اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند با یک عملیات رسانه‌ای چند لایه، «ایران هراسی» را نه تنها برای انحراف افکار عمومی اعراب از رژیم صهیونیستی در دستور کار قرار داده‌اند، بلکه با بدل کردن آن به تجارت اسلحه طی سال‌های اخیر حداقل تاکنون بیش از ۲۵۷ میلیارد دلار تسلیحات به کشورهای خاورمیانه و به خصوص خلیج فارس فروخته‌اند. ایران‌هراسان مدعی هستند که ایران به دنبال دستیابی

به سلاح‌های کشتار جمعی خصوصا تسلیحات هسته‌ای است تا در برابر اسرائیل - دشمنی که از قبل به این تسلیحات دسترسی دارد - از خود دفاع کند (عابدی، ۱۳۹۸: ۱۱).

پس از فروپاشی شوروی استراتژی آمریکا در تطابق با ثورنالیسم مبتنی بر ایجاد توازن قوا در منطقه و جلوگیری از ظهور قدرت سلطه طلب در منطقه، زمینه ساز مسابقه تسلیحاتی بوده است. از دهه ۹۰ تاکنون کشورهای منطقه ده‌ها میلیون دلار برای ساخت نیروهای مدرن نظامی جهت بازدارندگی و تهدید همسایگان خود هزینه کرده اند. در آن خاورمیانه منطقه‌ای است که برای سلاح‌های پیش رفته جنگی بسیار اشتها آور است. منطقه‌ای که مخالفت‌های سیاسی موجود به تداوم مسابقه تسلیحاتی منجر شده است.

در نگاهی دیگر پروژه ایران هراسی عربی با توجه به موضوع اختلاف بین شیعه و سنی با هدف ایجاد رعب و ترس در میان کشورهای عربی سنی مذهب منطقه تحت عنوان خطر گسترش قدرت تشیع با محوریت ایران و همچنین اثرپذیری از تبلیغات سنگین و احساس خطر در برابر گسترش و نفوذ شیعه، از سوی دولتمردان کاخ سفید و سران رژیم صهیونیستی دنبال می گردد و همین مسئله زمینه مسابقه تسلیحاتی را برای کشورهای عربی فراهم می کند تا از این رهگذر مجتمع‌های تسلیحاتی و نظامی آمریکا از رونق کاری برخوردار گردند. (جنگ نرم، ۱۳۸۹: ۵). «عنصر دیگری که در این جریان سهم دارد، هراس کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از برتری قدرت نظامی ایران پس از صدماتی است که در جریان جنگ خلیج فارس به ارتش عراق وارد کرده است» (امیراحمدی ۱۳۸۴، ۷۵) به ویژه در جریان‌ات اخیر برنامه‌های جدید تسلیحاتی ایران در کاربرد نظامی، این هراس شدت بیش تری گرفته است. با وجود این که هزینه نظامی ایران بسیار کم تر از کشورهای حاشیه خلیج فارس است ولی در اثر تبلیغات آمریکا، این احساس ناامنی از ناحیه ایران همواره در منطقه رو به افزایش است. این احساس تهدید، شعله ور شدن آتش مسابقه تسلیحاتی را در پی دارد.

کشورهای خاورمیانه بیش ترین آمار خریدهای تسلیحاتی را به خود اختصاص داده اند. این موضوع از مهم ترین عوامل ناامنی در منطقه است و تا زمانی که این روند متوقف نشود نه تنها منطقه امن و باثبات نخواهد شد بلکه به طور فزاینده شاهد ناامنی خواهیم بود» (ذوالفقاری ۱۳۸۴، ۱۲). شرکت‌های تسلیحاتی آمریکا ۶۰ درصد قرارداد های نظامی کشورهای حوزه خلیج فارس شامل امارات متحده عربی، عربستان سعودی، کویت، عمان، قطر و بحرین را به دست آورده است. بزرگ‌ترین مشتری آمریکا در این مدت امارات

متحدہ عربی بودہ است، اما بزرگترین معامه ای که صورت گرفته است متعلق به عربستان سعودی بودہ است (The SIPRI Military Expenditure Database). فرانسه پیشتر به عنوان تأمین کننده سلاح های نظامی امارات متحدہ عربی از هواپیما های نظامی گرفته تا بالگرد و تانک های جنگی بود (غضنفری، ۱۳۸۴: ۶۴).

آمریکا و ہم پیمانانش در حالی که با رکود اقتصادی دست و پنجه نرم می کنند با یک عملیات رسانه ای چند لایه، «ایران هراسی» را نه تنها برای انحراف افکار عمومی اعراب از رژیم صهیونیستی در دستور کار قرار داده اند، بلکه با بدل کردن آن به تجارت اسلحه طی سال های اخیر حداقل تاکنون بیش از ۲۵۷ میلیارد دلار تسلیحات به کشورهای خاورمیانه و به خصوص خلیج فارس فروخته اند. دولت اوباما برای فروش هرچه بیشتر تسلیحات نظامی خود به ترفند «ایران هراسی» روی آورد و از کشورهای عربی منطقه خواست تا توانمندی نیروهای نظامی خود را بهبود بخشند و قدرت آنها را افزایش دهند که این اقدام نیز نه تنها منافع مالی کلانی برای آمریکا داشت، در نهایت به سود امنیت رژیم صهیونیستی بود.

### نتیجہ گیری

یکی از ابعادی که آمریکا از این قدرت علیه ایران استفاده می کند، استفاده از پتانسیل و همراهی دیگر کشورها علیه ایران است. آمریکا در تجاوز به عراق به تنهایی و به بهانه مبارزه با تروریسم وارد عمل شد و همه هزینه را نیز خود پرداخت، اما آمریکا به تنهایی نمی تواند خود را برای مقابله با ایران هزینه کند و به دنبال نوعی اتحاد و ائتلاف علیه ایران است تا هم افکار عمومی دنیا را به دست آورد که ایران کشوری علیه صلح و امنیت بین المللی است و هم نوعی اجماع جهانی علیه جمهوری اسلامی شکل دهد. از جمله اقدامات اوباما در این زمینه، افزایش تحریم ها علیه ایران بود تا نگرانی ها را نسبت به ایران افزایش دهد و بدین ترتیب همراهی دیگر کشورها را برای فشار به ایران به دست آورد.

کشورهای عربی به ویژه عربستان سعودی، با دعوت از دولت های فرامنطقه ای برای مشارکت در امنیت منطقه و حذف ایران از این مشارکت، ضمن امنیت جویی در وابستگی به هژمون، در واقع به دنبال خلق تهدید برای ایران نیز هست. استمرار حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه و افزایش روابط دیپلماتیک با کشورهای حاشیه خلیج فارس باعث می گردد ایران رودرروی همسایگان جنوبی اش قرار گیرد. به گونه ای که همواره یکی از موارد اختلافی ایران با این کشورها وابستگی امنیتی آنان به آمریکا بودہ است. رویکرد

نئورئالیستی آمریکا در خاورمیانه در چهره یک مداخله گر تمام عیار و فعال ترین شریک ظاهر شده و علیه کشورهای مستقل منطقه از سیاست ارباب، تهدید و حمله نظامی استفاده می کند. لذا می توان شرایط موجود در امنیت سازی منطقه ای خاورمیانه را براساس جلوه هایی از نفع طلبی نزدیک بینانه کشورهای منطقه ای و قدرت های بین المللی دانست. این نظام امنیتی با تکیه بر رویکردهای «مهار دو جانبه»، «تهدید خیالی جمهوری اسلامی ایران» و عمدتاً بر محور «نظام امنیت وارداتی» و مبتنی بر خواست و منافع بازیگران فرامنطقه ای یا به عبارت دیگر «منافع طرف سوم» استوار گردیده است. در واقع به شکلی مداوم این انگاره ترویج می شود که در صورت نبود یک نظام امنیتی آمریکا محور در خاورمیانه و خلیج فارس، ایران نیت تجاوزکارانه خود را عملی خواهد کرد. در سایه همین ایران هراسی، مشروعیت لازم برای حفظ پایگاه های آمریکایی در کشورهای عربی ایجاد شده و همچنین تجارت تسلیحات و تجهیزات نظامی در منطقه خاورمیانه رونق گرفته است. پایگاه پنجم دریایی در بحرین، دو پایگاه نظامی در کویت، دو پایگاه نظامی دیگر در عمان، یک پایگاه هوایی، انبار اسلحه و دفتر فرماندهی مرکزی منطقه ای آمریکا در قطر قرار دارد. همچنین با نظامی سازی منطقه و فروش تسلیحات نظامی پیشرفته به متحدان و کشورهای پیرو خود در منطقه حتی آمریکا برای مهار ایران در طول جنگ ایران و عراق به حمایت های مستقیم و غیر مستقیم از صدام هم روی آورد. آمریکا بر این باور است که جنگ های نیابتی تا سال ها در منطقه خاورمیانه ادامه خواهد داشت و این موجب می شود تا کشورهای نفت خیز و ثروتمند منطقه بیش از پیش به خرید جنگنده های اف ۳۵ روی بیاورند که نسل پنجم جنگنده های آمریکایی است که برنامه ریزی برای تولید آن در جریان است و نیروی هوایی آمریکا در آینده خود را به آن مجهز خواهد کرد و از جمله طرح های نظامی بسیار هزینه بر در جهان به شمار می آید و بازاریابی گسترده ای برای آن توسط آمریکا و البته در میان هم پیمانان اروپایی و آسیایی صورت گرفته و در این راستا رژیم صهیونیستی قرارداد خرید تعدادی از این جنگنده ها را امضا کرده است، اما به خاطر حفظ تفوق و برتری نظامی رژیم صهیونیستی در منطقه، فروش آن به کشورهای عربی خاورمیانه ممنوع شده است.

## منابع و مآخذ:

- ازغندی، سید علیرضا، جهانگیری، سعید، (۱۳۹۷). واکاوی سیاست خارجی دونالد ترامپ در خاورمیانه و چالش‌های پیش روی آن (ابعاد و رویکردها)، **فصلنامه راهبرد سیاسی**، شماره ۵، تابستان.
- امیراحمدی، هوشنگ، «سیاست خارجی منطقه ای ایران (بخش اول)»، ترجمه علیرضا طیب، **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، سال هفتم، شماره ۱۲-۱۱ مرداد و شهریور، ۱۳۸۴.
- ایکبری، جی. جان (۱۳۸۳)، **تنها ابرقدرت: هژمونی امریکا در قرن ۲۱**، مترجم عظیم فضلی پور، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرامعاصر.
- بیگ زاده، ابراهیم (۱۳۷۹)، «سازمان‌های غیردولتی و حقوق بین الملل»، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۳۱ و ۳۲، پاییز و زمستان.
- پیس، کلی - کیت اس (۱۳۸۴)، **سازمان‌های بین‌المللی**، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، تهران: نشر میزان.
- توحیدی‌فرد، محمد (۱۳۸۱)، **ضمانت‌های اجرایی کیفری منشور ملل متحد**، تهران: وزارت امور خارجه.
- ثریسا، جمشید (۱۳۸۸)، «آمریکسا: توریسم و بنیاد-گرایی»، **اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، شماره‌های ۲۲۰-۲۱۹.
- جعفری، علی (۱۳۹۰)، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی رویکرد فرمانطقه‌ای ناتو و چالش‌های فرارو، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
- جنگ نرم (۱۳۸۹)، «ایران هراسی عملیات آمریکایی، صهیونیستی است»، **جنگ نرم و عملیات روانی**، ۳۱ خرداد.
- حاتم زاده، عزیزالله (۱۳۹۰)، «اوباما و ایران»، **خبرگزاری فارس**، ۱۲ بهمن.
- دهشیار، حسین (۱۳۸۶)، **سیاست خارجی امریکا، خاورمیانه و دموکراسی**، تهران: خط سوم.
- دهشیار حسین (۱۳۸۶) «از لیبرالیسم قدرت نواز به نوحافظه کاری ایده نواز»، **فصلنامه مطالعات بین‌المللی**، سال چهارم، شماره ۱.
- دهشیار، حسین (۱۳۹۱)، **سیاست خارجی آمریکا در تسوری و عمل**، تهران، نشر میزان.
- ذوالفقاری، مهدی، «پیامدهای حضور آمریکا در منطقه»، **روزنامه رسالت**، (۲۶ اسفند ۱۳۸۴).
- سریع القلم، محمود، (۱۳۸۱). **سیاست خارجی جمهوری اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی ماهنامه نگاه**، سال چهارم، شماره ۴۶، مهر و آبان.
- سلیمانی پورلک فاطمه (۱۳۸۹) **قدرت نرم در استراتژی خاورمیانه‌ای آمریکا**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عابدی، سجاد، (۱۳۹۸). **پروژا ایران هراسی، روزنامه اعتماد**، شماره ۴۵۱۴.
- غضنفری، رامین، (۱۳۸۴). **آمریکا - خلیج فارس؛ از سیاست تسلیحاتی تا مداخله گرای، تحلیل از موسسه صلح استکهلم**.
- کریمی، حسین (۱۳۹۴)، «سیاست خارجی اوباما در آسیای غربی»، **خبرگزاری تسنیم**، ۱۹ خرداد.
- گزارش سالنامه کمیسیون حقوق بین‌الملل (۱۹۷۹).
- مختاری هشی، حسین، (۱۳۹۴). تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر عوامل قدرت ملی؛ با تأکید بر تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل بر علیه ج.ا.ایران، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، شماره ۳۸، تابستان.
- منتظران، جاوید (۱۳۹۸). **آثار حقوقی بین‌المللی تروستی نامیدن سپاه**، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۳۷۱)، **آثار تحریم غرب علیه ایران، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی**.
- نعمتی، سید ناصر، (۱۳۹۴). نگاهی به حمایت‌های همراه با سکوت ایالات متحده در برابر برخی گروه‌های تروریستی. قابل دسترسی <http://press.jamejamonline.ir/Newspreview/2001406033481780358>
- Aghazade, mahdiye, (2014). **International Sanctions and their Impacts on Iran's Economy**, Istanbul Aydin University, **Department of International Relations**.
- Ajili, Hadi & Mobini Keshe, Zahra (2013), **Iran oil sanctions (with emphasis on Europe Union oil sanctions in 2012, Journal of Political and International Researchs, Islamic Azad university of Shareza, No. 15. Summer.**
- Amuzegar, Jahangir (1997), "Adjusting to Sanction", **Foreign Affairs**, May/ June.
- Ashrafi, Nabiallah (2012), **Penalties and sanctions and its impact on the interaction of Iran from 2002 to 2012, M.A Thesis, Tarbiat modares university, Tehran. in Persian.**
- Bell , Duncan , (2007). Senior Lecturer, Department of Politics and International Studies, Cambridge University. His contributions to SAGE Publications's **Encyclopedia of Governance (2007)** formed the basis of his contributions...
- Biersteker, Thomas, (2015). **Sanctions. The Graduate Institute, Geneva Entry prepared for the Oxford Companion to International Relations.**
- Brohmer, Jurgen (2009) **State Immunity and the Violation of Human Rights**, Boston: Martinus Nijhoff Publishers

- Meir, Shemuel, (2018). Three years on, the Iran nuclear deal is still Israel's best bet, By **+972 Magazine August 27**.
- Moseley, Alexander (2015). Political Realism, <https://iep.utm.edu/polreal/>.
- Tom O'Connor, Israel's Netanyahu Says on Video He Was Behind Trump's Decision to Leave Iran Deal, Newsweek 7/18/2018
- Valizadeh, Akbar (2011), Approaches and theories of the efficiency of sanctions in international political economy, **Politics Quarterly**, Vol. 41, No. 1[in Persian]
- Zvi Bar'el (18 October 2009). "Comment / How do Turkey and Israel measure each other's love?". Haaretz. Retrieved 5 December 2009
- Campbell, Jason Michael O'Hanlin, Jermy Shapiro and Andy Unikewicz, "State of the Iraq and Afghanistan", New York Times, March 19, 2009.- <http://www.Farda.org/Article>
- Carisch, Enrico & Rickard-Martin, Loraine (2011), Global Threats and the Role of United Nations Sanctions, International Policy Analysis, Friedrich-Ebert-Stiftung (Fes), New York Office.
- Commins, David (2014). **The Gulf States: A Modern History**. London: I. B. Tauris Co Ltd.
- Cristol, Jonathan, (2017). Realism , [oxfordbibliographies](https://www.oxfordbibliographies.com).
- DEITCH, IAN (2018). Netanyahu opposition to Iran deal not shared by all Israelis, <https://apnews.com/4620cc8f50ff4419a110d4548d46647e/>.
- Ednah M Peter(2015). Classical Realism and International Relations Paperback – November 30, 2015 , **GRIN Publishing**
- Emadi, Seyed Mohsen (2012), The effect of economic sanctions of the UN Security Council in the enjoyment of human rights, **Journal of Foreign Policy**, Vol. 20, No. 1 Spring [in Persian].
- Eyler, Robert (2007), "Economic Sanctions International Policy and Political Economy at Work", **Palgrave Macmillan**.
- Gal, Yitzhak & Yair Minzili, (2011). The Economic Impact of International Sanctions on Iran, WORKING PAPER.
- Giuseppe Dentice, (2019). Israel's Foreign Policy: No Change in Sight, Istituto per gli Studi di Politica Internazionale.*
- Haass, Richard (1998). Economic Sanctions and American Diplomacy. Council on Foreign Relations Press.
- Hufbauer, Gary Clyde, Jeffrey J. Schott, Kimberly Ann Elliott, Barbara Oegg (2013), "Economic Sanctions: New Directions for the 21st Century", **Peterson Institute for International Economics**
- Jakson, Robert and Sorensen, Georg (1998), **Introduction to International Relations**, London: Oxford.